

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



ستایش

به نام آن که جان را فکرت آموخت

چراغِ دل به نورِ جان برافروخت
ز فیضِ خاکِ آدم، گشت گلشن
حق اندر وی ز پیدایی است پنهان
بُرد از بهرِ او، چشمِ دگر جوی
نشانی داده‌اند از دیده‌ی خویش
همه عالم، کتابِ حق تعالی است

به نام آن که جان را فکرت آموخت
ز فضلش هر دو عالم، گشت روشن
جهان، جمله، فروغِ نورِ حق، دان
بخرد را نیست تابِ نورِ آن روی
در او هر چه بگفتند از کم و بیش
به نزد آن که جانش در تجلی است

شیخ محمود شبستری، گلشن راز



معنی واژه ها

تاب = طاقت، توانایی، تحمل

از بهر = برای

دیده = نگاه، چشم

نزد = پیش

تجلی = پیداشدن

تعالی = برتر، بلند مرتبه

جان = روح

فکرت = اندیشه، تفکر

برافروخت = روشن کرد

فضل = احسان، بخشش

جمله = همه، تمام، سراسر

فروغ = نور، پرتو، روشنایی

حق = خداوند

خرد = عقل

هم خانواده ها

فکرت = افکار، فکر، تفکر، متفکر

فضل = فاضل، فضیلت، فضایل
فیض = فیاض،

حق = حقیقت، حقایق

نور = انوار، منور، نورانی

نشان = نشانی، نشانه

دیده = دیدار، دیدنی

تجلی = متجلی، جلا

کتاب = کتب، مکاتبه، مکتوب

تعالی = متعالی، اعلی، عالی

شناخت = شناخته، شناختن

ردیف ها

است

قافیه ها

آموخت و برافروخت

روشن و گلشن

روشن و گلشن

دان و پنهان

روی و جوی

بیش و خویش

تجلی و تعالی

روشن کرد

چراغ دل به نور جان پرا فروخت

روح اندیشه، تفکر

به نام آن که جان را فکرت آموخت

نکته های آرایه ای ← تشبیه ← چراغ دل (دل به چراغ)

مراعات نظیر ← چراغ و نور ← نور جان (جان به نور)

نکته های دستوری ← بیت ۳ جمله است (در جمله ی اول، فعل آغاز می‌کنم حذف شده)

مفعول ← فکرت

ترکیب اضافی ← چراغ دل

به نام آن خدایی که به روح و جان انسان، فکر کردن و اندیشیدن را آموخته است و بابخشیدن جان به انسان، وجود انسان را با نور روحانی، روشن و هدایت کرده است.

بخشش، عطا
ز فیض خاکِ آدم، گشت گلشن

احسان، بخشش
جهان، دنیا
ز فضلش هر دو عالم، گشت روشن

نکته ی دستوری ← بیت دارای ۲ جمله است

ترکیب اضافه ← فضلش
فیضش

منظور از خاکِ آدم "همان جسم انسان است و اشاره به آفرینش انسان دارد." ←

از بخشش خدا، دو جهان نورانی شد و از لطف خدا، جسم انسان، تبدیل به گلستان با طراوت شد.

حق اندر وی ز پیدایی است پنهان

جهان، جمله، فروغ نور حق، دان



جمله ی خبری



جمله ی امری

تمام پدیده های جهان، نشان دهنده ی وجود عظمت خداست .
خدا از شدت آشکاری در این پدیده ها، پنهان به نظر می رسد.

خرد را نیست تاب نور آن روی بُرد از بهر او چشم دگر جوی

نکته ی آرایه ای ← شخصیت بخشی ← تاب به خرد

کنایه ← چشم دگر جستن، کنایه از تغییر نگاه

نکته ی دستوری ← بیت ۳ جمله دارد.

عقل انسان توانایی درک نور معنوی خدا را ندارد، بنابراین
برای درک حقیقت خدا باید از چشم غیر مادی استفاده کرد.

بیت اشاره به این دارد که انسان با چشم خودش ،
نمی تواند خدا را ببیند بلکه باید از راه دل خدا را درک کند.

در او هر چه بگفتند از کم و بیش
نشان دادند از دیده‌ی خویش

منظور خداوند است.

تضاد

بیت دارای ۲ جمله است.

هر کس به اندازه‌ی درک و توانایی خودش، خدا را توصیف کرده است،
حال آنکه حقیقت خدا را، هیچ کس، نتوانسته است، وصف کند.

مشبه مشبه به
همه عالم، کتاب حق تعالی است
تشبيه

به نزد آن که جانش در تجلی است
جان او (ترکیب اضافی)

بیت دارای ۲ جمله است.

پیش آن کسی که روح و جانش ، تابش خدا شده ، تمام جهان مانند کتابی است
که راز عظمت خدا را آشکار کرده و انسان خداشناس می تواند خدا را بشناسد.

مراعات نظیر = تناسب

آوردن واژه هایی از یک دسته است که باهم هماهنگی دارند و می تواند از نظر جنس، نوع، مکان، زمان و... باشد

این آرایه پرکاربرد ترین آرایه ی زبان فارسی است.
دوواژه برای به وجود آمدن مراعات نظیر، کافی است.

مثلا

بسی تیر و دی ماه و اردیبهشت

مثلا

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند

بر آید که ما خاک باشیم و خشت

تاتو نانی بکف آری و به غفلت نخوری

پایان درس اول



بہ
خودت
باور داشتہ باش